

# عُمْدَةُ السَّالِكِ وَعُدَّةُ النَّاسِكِ

تأليف:

شهاب الدين ابوالعباس أحمد بن النقيب المصري

وفات:

سال ٧٦٩ هجرى قمرى

ترجمه، تحقيق، تفريغ أحاديث و بيان دلائل:

سيد مسلم تفت دار

مدرسه اميريه

جزيره قشتم – گياهدان

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## بَابُ قَضَاءِ الْحَاجَةِ

يُنْدَبُ لِمُرِيدِ الْخَلَاءِ أَنْ يَتَنَعَلَ إِلَّا لِعُذْرٍ؛ وَيَسْتُرُ رَأْسَهُ؛ وَيُنَحِّي مَا فِيهِ ذِكْرُ اللَّهِ  
وَرَسُولِهِ وَكُلِّ اسْمٍ مُعْظَمٍ؛

۱. عَنْ عَائِشَةَ، قَالَتْ: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا دَخَلَ الْخَلَاءَ غَطَّى رَأْسَهُ.  
ضعيف، السنن الكبرى للبيهقي ۴۵۵

رسول الله صلى الله عليه و سلم هرگاه به مستراح داخل می شد سر خویش را می پوشاند.  
دنباله روایت بیهقی آمده: وَرَوِيَ فِي تَغْطِيَةِ الرَّأْسِ عِنْدَ دُخُولِ الْخَلَاءِ عَنْ أَبِي بَكْرٍ،  
وَهُوَ عَنْهُ صَحِيحٌ.

در پوشاندن سر هنگام داخل شدن به مستراح از ابوبکر صدیق روایت وجود دارد که  
صحیح است.

عَنْ حَبِيبِ بْنِ صَالِحٍ، قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا دَخَلَ الْخَلَاءَ  
لَبَسَ حِذَاءَهُ، وَغَطَّى رَأْسَهُ. مرسل، السنن الكبرى للبيهقي ۴۵۶

رسول الله صلى الله عليه و سلم هرگاه داخل مستراح می شد کفش خویش را می پوشید و  
سر خویش را می پوشاند.

۲. عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا دَخَلَ الْخَلَاءَ  
وَضَعَ خَاتَمَهُ» ابن حبان ۱۴۱۳، اصحاب سنن نیز این حدیث را روایت کرده اند. در تصحیح و  
تضعیف این حدیث اختلاف شده. ترمذی، ابن حبان، حاکم، مندری، ابن ملقن و ابن دقیق  
العید آن را صحیح دانسته و امام نووی و ابوداود آن را ضعیف دانسته اند.

رسول الله صلى الله عليه و سلم هرگاه داخل مستراح می شد انگشتر خویش را می گذاشت  
(زیرا نقش نگین آن «محمد رسول الله» بود).

سنت می‌شود برای کسی که قصد (رفتن به) مستراح دارد آنکه دمپائی بپوشد مگر برای عذر؛ و سرش را بپوشاند؛ و هر چه در آن، ذکر خدا و رسولش و اسم معظم باشد را (از خود) دور کند؛

**فَإِنْ دَخَلَ بِالْحَتَامِ صَمَّ كَفَّهُ عَلَيْهِ،<sup>۳</sup> وَيُهَيِّئِ أَحْجَارَ الْإِسْتِنْجَاءِ،<sup>۴</sup>**

پس اگر با انگشتر(ی) که اسم معظم بر آن حک شده) وارد (مستراح) شد، کف دستش را بر آن جمع می‌کند؛ و سنگ‌های استنجا را آماده می‌سازد.

**وَيَقُولُ عِنْدَ الدُّخُولِ: بِسْمِ اللَّهِ،<sup>۵</sup> اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخُبْثِ وَالْخَبَائِثِ،<sup>۶</sup> وَعِنْدَ الْخُرُوجِ: غُفْرَانَكَ،<sup>۷</sup> الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنِّي الْأَذَى وَعَافَانِي،<sup>۸</sup>**

<sup>۳</sup> . نگین آن، که اسم معظم بر آن حکاکی شده را به سمت کف دست می‌چرخاند سپس دستش را مشت می‌کند تا اینکه اسم معظم در میان کف دست پنهان شده و دیده نشود.

<sup>۴</sup> . قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِذَا ذَهَبَ أَحَدُكُمْ إِلَى الْعَائِطِ، فَلْيَذْهَبْ مَعَهُ بِثَلَاثَةِ أَحْجَارٍ يَسْتَطِيبُ بِهِنَّ، فَإِنَّهَا تُجْزِي عَنْهُ. حسن. ابوداود ۴۰

هرگاه یکی از شما به قضای حاجت رفت پس به همراه خویش سه تکه سنگ ببرد تا خود را با آنها پاک کند، زیرا سه تکه سنگ او را کفایت می‌کند.

<sup>۵</sup> . عَنْ عَلِيٍّ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: سِتْرُ مَا بَيْنَ الْجَنِّ وَعَوْرَاتِ بَنِي آدَمَ إِذَا دَخَلَ الْكَنِيفَ أَنْ يَقُولَ: بِسْمِ اللَّهِ. صحيح، ابن ماجه ۲۹۷

ستر میان دیدگان جن و عورت انسان، هرگاه انسان وارد مستراح شد آنکه "بسم الله" بگوید.

<sup>۶</sup> . عَنْ أَنَسٍ، قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا دَخَلَ الْخَلَاءَ قَالَ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخُبْثِ وَالْخَبَائِثِ». بخاری ۱۴۲

<sup>۷</sup> . عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا خَرَجَ مِنَ الْعَائِطِ قَالَ: «غُفْرَانَكَ». صحيح، ابوداود ۳۰

<sup>۸</sup> . عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ، قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا خَرَجَ مِنَ الْخَلَاءِ، قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنِّي الْأَذَى وَعَافَانِي». ضعيف، ابن ماجه ۳۰۱

و هنگام داخل شدن می گوید: به نام الله، خدایا! از شیاطین نر و ماده به تو پناه می برم. و هنگام خارج شدن: آمرزش را می طلبم، سپاس و ستایش مخصوص خداوندی است که اذیت و آزار را از من دور کرد و مرا عافیت بخشید.

**وَيُقَدِّمُ دَاخِلًا يَسَارَةً وَخَارِجًا يَمِينَةً،<sup>٩</sup>**

و (هنگام) داخل شدن، پای چپش و (هنگام) خارج شدن، پای راستش را مقدم می دارد.  
**وَلَا يَخْتَصُّ ذِكْرُ الدُّخُولِ لِلْخَلَاءِ وَالْخُرُوجِ، وَتَقْدِيمُ الْيُسْرَى وَالْيُمْنَى، وَتَنْحِيَةُ ذِكْرِ اللَّهِ تَعَالَى وَرَسُولِهِ بِالْبُنْيَانِ، بَلْ يُشْرَعُ بِالصَّحْرَاءِ أَيْضًا،<sup>١٠</sup>**

و ذکر دخول به توالف و خروج از آن، و مقدم کردن چپ و راست، و دور کردن ذکر خداوند متعال و رسولش، به ساختمان (ی که برای قضای حاجت آماده شده) اختصاص ندارد بلکه (رعایت کردن این مسائل) در صحرا نیز مشروع می شود.

**وَلَا يَرْفَعُ ثَوْبَهُ حَتَّى يَدْنُو مِنَ الْأَرْضِ، وَيُرْخِيهِ قَبْلَ انْتِصَابِهِ،<sup>١١</sup> وَيَعْتَمِدُ فِي الْجُلُوسِ عَلَى يَسَارِهِ،<sup>١٢</sup> وَلَا يُطِيلُ<sup>١٣</sup> وَلَا يَتَكَلَّمُ؛<sup>١٤</sup>**

<sup>٩</sup> . امام نووی در المجموع می نویسد: اصل این قاعده که دست و پای راست، جهت تکریم و دست و پای چپ، عکس آن استفاده کرده می شود احادیث صحیح زیادی است، از جمله:

**عَنْ عَائِشَةَ، قَالَتْ: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُعْجِبُهُ التَّيْمَنُ، فِي تَنْعُلِهِ، وَتَرْجُلِهِ، وَظُهُورِهِ، وَفِي شَأْنِهِ كُلِّهِ. بخاری ١٦٨**

رسول الله صلی الله علیه و سلم در نعال پوشیدن، شانه زدن، طهارت گرفتن و در تمام امور خویش، آغاز نمودن از سمت راست را دوست می داشت.

**عَنْ عَائِشَةَ، قَالَتْ: «كَانَتْ يَدُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْيُمْنَى لِظُهُورِهِ وَطَعَامِهِ، وَكَانَتْ يَدُهُ الْيُسْرَى لِخَلَائِهِ، وَمَا كَانَ مِنْ أَدَى». صحیح، ابوداؤود ٣٣**

دست راست رسول الله صلی الله علیه و سلم برای وضو گرفتن و غسل زدن و طعام خوردن ایشان و دست چپ ایشان برای قضای حاجت ایشان و آن چه از بدی ها بود.

<sup>١٠</sup> . زیرا با هدف قضای حاجت، آن مکان مأوای شیاطین می گردد پس آنچه برای بنیان مشروع می شود برای این هم مشروع می شود.

<sup>١١</sup> . به علت محافظت از کشف شدن عورت.

**عَنِ ابْنِ عُمَرَ: «أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا أَرَادَ حَاجَةً لَا يَرْفَعُ ثَوْبَهُ حَتَّى يَدْنُو مِنَ الْأَرْضِ». صحیح، ابوداؤود ١٤**

و لباسش را بالا نمی‌زند تا اینکه به زمین نزدیک شود، و قبل از ایستادن، آن را پایین می‌کشد؛ و در نشستن بر پای چپش تکیه می‌کند؛ و طولانی نمی‌کند؛ و سخن نمی‌گوید.

**فَإِذَا انْقَطَعَ الْبَوْلُ مَسَحَ بَيْسَارِهِ مِنْ دُبُرِهِ إِلَى رَأْسِ ذَكَرِهِ، وَيَنْتَرِبُ بِلُطْفٍ ثَلَاثًا، وَلَا يَبُولُ قَائِمًا بِلَا عُدْرٍ،<sup>۱۱</sup>**

رسول الله صلی الله علیه و سلم هرگاه قصد قضای حاجت می‌کرد؛ لباس خویش را بالا نمی‌برد تا اینکه به زمین نزدیک می‌شد.

<sup>۱۲</sup> . جهت خروج آسان مدفوع.

**عَنْ سُرَاقَةَ بْنِ جُعْشَمٍ، قَالَ: عَلَّمَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا دَخَلَ أَحَدُنَا الْخَلَاءَ أَنْ يَعْتَمِدَ الْيَسْرَى، وَيَنْصِبَ الْيُمْنَى. ضَعِيفُ السَّنَنِ الْكَبْرَى لِلْبَيْهَقِيِّ ۴۵۷**

رسول الله صلی الله علیه و سلم به ما آموخت، هرگاه یکی از ما وارد مستراح شد بر پای چپش اعتماد کند و پای راستش را بکارد.

طریقه آن: پای راست را به گونه‌ای بر زمین می‌کارد که فقط انگشتان آن بر روی زمین قرار بگیرند. اما پای چپ، تمامی آن بر زمین ثابت می‌ماند.

<sup>۱۳</sup> . زیرا گفته شده که سبب بیماری بواسیر می‌شود. حدیث: **لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ.**

**۱۴ . قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَا يَخْرُجُ الرَّجُلَانِ يَضْرِبَانِ الْعَائِظَ كَاشِفَانِ عَوْرَتَهُمَا يَتَحَدَّثَانِ، فَإِنَّ اللَّهَ يَمُقْتُ عَلَى ذَلِكَ. صحيح لغيره، مسند احمد ۱۱۳۱۰**

دو شخصی خارج نشوند که قضای حاجت کنند در حالی که عورت خویش را کشف نمایند و با یکدیگر صحبت کنند، همانا الله عزوجل بر این کارشان خشم می‌گیرد.

**عَنِ ابْنِ عُمَرَ: «أَنَّ رَجُلًا مَرَّ وَرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَبُولُ، فَسَلَّمَ، فَلَمْ يَرُدَّ عَلَيْهِ». مسلم ۳۷۰**

مردی گذر کرد در حالی که رسول الله صلی الله علیه و سلم قضای حاجت می‌نمود. آن مرد به ایشان سلام کرد. رسول الله صلی الله علیه و سلم جواب سلام او را نداد.

**۱۵ . عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: مَرَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِحَائِطٍ مِنْ حِيطَانِ الْمَدِينَةِ، أَوْ مَكَّةَ، فَسَمِعَ صَوْتَ إِنْسَانَيْنِ يُعَدَّبَانِ فِي قُبُورِهِمَا، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «يُعَدَّبَانِ، وَمَا يُعَدَّبَانِ فِي كَبِيرٍ» ثُمَّ قَالَ: «بَلَى، كَانَ أَحَدُهُمَا لَا يَسْتَتِرُ مِنْ بَوْلِهِ، وَكَانَ الْآخَرُ يَمِثِي بِالنَّمِيمَةِ». بخاری ۲۱۶**

رسول الله صلى الله عليه و سلم از کنار باغی از باغ‌های مدینه یا مکه گذر می‌کرد، صدای دو انسانی را شنید که در قبرهایشان عذاب می‌دیدند. رسول الله صلى الله عليه و سلم فرمود: این دو عذاب می‌بینند، اما در (کار) بزرگی (که احتراز از آن مشکل باشد) عذاب نمی‌بینند. سپس فرمود: بلی، یکی از این دو، از ادرارش محافظت به عمل نمی‌آورد و دیگری با خبرچینی (در میان مردم) می‌رفت.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا بَالَ أَحَدُكُمْ فَلْيَنْتَرُ ذَكَرَهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ».

ضعیف، ابن ماجه ۳۲۶

هرگاه یکی از شما ادرار کرد پس آلت تناسلی‌اش را سه بار بکشد.

۱۶. عَنْ عَائِشَةَ، قَالَتْ: مَنْ حَدَّثَكَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَالَ قَائِمًا فَلَا تُصَدِّقُهُ، " مَا بَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَائِمًا مُنْذُ أُنْزِلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ. صحیح

علی شرط مسلم، مسند احمد ۲۵۰۴۵

هر کس به تو خبر داد که رسول الله صلى الله عليه و سلم ایستاده ادرار کرده است او را تصدیق نکن. از زمانی که قران بر رسول الله صلى الله عليه و سلم نازل شده، ایستاده ادرار نکرده است.

اما دلیل بر جواز ادرار به ایستاده:

عَنْ حُدَيْفَةَ، قَالَ «أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سُبَاطَةَ قَوْمٍ فَبَالَ قَائِمًا، ثُمَّ دَعَا بِمَاءٍ فَجِئْتُهُ بِمَاءٍ فَتَوَضَّأَ». بخاری ۲۲۴

رسول الله صلى الله عليه و سلم به محل زباله‌دانی قومی آمد و ایستاده ادرار کرد سپس درخواست آب نمود. من آب را خدمت ایشان آوردم. پس وضو گرفت.

حافظ در فتح الباری می‌نویسد: ظاهراً رسول الله صلى الله عليه و سلم این کار را برای بیان جواز انجام داده و اما ادرار ایشان، بیش‌تر به نشسته بوده است.

در مجموع آمده: سبب ادرار رسول الله صلى الله عليه و سلم به ایستاده این اوجه نقل شده است:

(۱) عرب می‌پنداشت که ادرار به ایستاده سبب رفع کمردرد می‌شود. احتمال دارد به همین سبب ایشان ایستاده ادرار کرده باشند.

(۲) مکانی که صلاحیت نشستن داشته باشد، نیافت.

(۳) به سبب زانودردی که داشت.

پس هرگاه ادرار قطع شد با دست چپش از (سمت) مقعدش بسوی سر آلت تناسلی‌اش مسح می‌کند، و سه بار با آرامی می‌کشد. و بدون عذر، ایستاده ادرار نمی‌کند.

وَلَا يَسْتَنْجِي بِالْمَاءِ فِي مَوْضِعِهِ إِنْ خَافَ تَرَشُّشًا، وَلَا يَنْتَقِلُ فِي الْمَرَاحِيضِ؛<sup>۱۷</sup> وَيَبْعُدُ فِي الصَّخْرَاءِ وَيَسْتَتِرُ،<sup>۱۸</sup>

و اگر (در مکانی است که برای قضای حاجت اختصاص داده نشده و) از پاشیدن آب ترس دارد در مکان (قضای حاجت) خود با آب استنجا نمی‌کند. و (اما) در مستراح‌ها (از مکان قضای حاجتش) منتقل نمی‌شود. و در صحرا دور می‌رود و پنهان می‌شود.

وَلَا يَبُولُ فِي جُحْرِ،<sup>۱۹</sup> وَمَوْضِعِ صُلْبٍ، وَمَهَبِّ رِيحٍ،<sup>۲۰</sup> وَمَوْرِدٍ،<sup>۲۱</sup>

امام نووی در ادامه می‌نویسد: ابن المنذر می‌گوید: از عمر بن خطاب، زید بن ثابت، ابن عمر و سهل بن سعد، ثابت است که ایستاده ادرار کرده‌اند. چنین از علی بن ابی طالب، انس بن مالک و ابوهریره روایت شده است. از فعل تابعینی همچون ابن سیرین و عروه بن زبیر نیز ثابت است.

<sup>۱۷</sup>. زیرا از پریدن قطرات ادرار بر بدن، در امان است.

<sup>۱۸</sup>. عَنْ مُغِيرَةَ بْنِ شُعْبَةَ، قَالَ: كُنْتُ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي سَفَرٍ، فَقَالَ: «يَا مُغِيرَةُ خُذِ الْإِدَاوَةَ»، فَأَخَذْتُهَا، فَاَنْطَلَقَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَتَّى تَوَارَى عَنِّي، فَقَضَى حَاجَتَهُ. بخاری ۳۶۳

در سفری همراه رسول الله صلی الله علیه و سلم بودم. پس فرمود: ای مغیره! آفتابه را بگیر. من آن را گرفتم. رسول الله صلی الله علیه و سلم رفت تا این که از من پنهان شد پس قضای حاجت نمود.

عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، «أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا أَرَادَ الْبِرَّازَ انْطَلَقَ، حَتَّى لَا يَرَاهُ أَحَدٌ». صحیح، ابوداود ۲

رسول الله صلی الله علیه و سلم هرگاه قصد قضای حاجت می‌نمود، می‌رفت تا اینکه کسی او را نبیند.

<sup>۱۹</sup>. قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَا يَبُولَنَّ أَحَدُكُمْ فِي الْجُحْرِ. حاکم در مستدرک ۶۶۶ بر شرط بخاری و مسلم صحیح دانسته و ذهبی با او موافقت نموده.

هرگز یکی از شما در سوراخ ادرار نکند.

و ادرار (و مدفوع) نمی‌کند در سوراخ، و مکان سفت و سخت، و محل وزش باد، و محل ورود آب،

وَمُتَحَدِّثٍ لِلنَّاسِ، وَطَرِيقٍ،<sup>۲۲</sup> وَتَحْتِ شَجَرَةٍ مُثْمِرَةٍ،<sup>۲۳</sup> وَعِنْدَ قَبْرِ،<sup>۲۴</sup>

زیرا ممکن است در سوراخ مار و یا حیوان موذی دیگری باشد و به او آسیبی برساند به همین سبب دنباله روایت در مسند احمد ۲۰۷۷۵ با رجال ثقات آمده که از قتاده سوال شد: چرا؟ گفت: يُقَالُ إِنَّهَا مَسَاكِنُ الْجِنِّ. گفته می‌شود که مسکن جن است.

احتمال دارد که منظور قتاده، جن معروفی که از دیدگان ما پنهان است، باشد و احتمال دارد مار باشد. زیرا جن به مار نیز تفسیر شده است همان‌گونه که در آیه ۱۰ سوره نمل در مورد قصه موسی علیه السلام آمده: «كَأَنَّهُا جَانٌّ» گویا مار چابک و تیزروی است.

<sup>۲۰</sup> زیرا صلابت و سفتی زمین و وزش باد باعث می‌شود که نجاست به او اصابت کند.

<sup>۲۱</sup> قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: اتَّقُوا الْمَلَاعِينَ الثَّلَاثَ: الْبَرَّازَ فِي الْمَوَارِدِ،

وَالظَّلَّ، وَقَارِعَةَ الطَّرِيقِ. حسن، ابن ماجه ۳۲۸

از سه مکانی که سبب لعن می‌شوند، بپرهیزید: قضای حاجت در مسیر آب و سایه (مردم) و وسط راه.

<sup>۲۲</sup> قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «اتَّقُوا اللَّعَّانِينَ» قَالُوا: وَمَا اللَّعَّانَانِ يَا رَسُولَ

اللَّهِ؟ قَالَ: «الَّذِي يَتَخَلَّى فِي طَرِيقِ النَّاسِ، أَوْ فِي ظِلِّهِمْ». مسلم ۲۶۱

بترسید و پرهیز کنید از دو چیزی که سبب لعن می‌شوند. گفتند: ای رسول خدا! دو چیزی که سبب لعن می‌شوند، چیست؟ فرمود: کسی که در راه مردم و یا سایه آنان (مکان‌های اجتماع مردم و محل استراحت آنان و مواردی شبیه آن) قضاء حاجت می‌کند.

<sup>۲۳</sup> زیرا احتمال می‌رود که ثمر درخت در آن واقع شود و شارع، از اضاعه مال نهی به

عمل آورده؛ و همچنین سبب آزار و اذیت مردم می‌شود و این کار نیز منهی عنه است.

عَنِ ابْنِ عُمَرَ قَالَ: «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ يَتَخَلَّى الرَّجُلُ تَحْتِ

شَجَرَةٍ مُثْمِرَةٍ، وَنَهَى أَنْ يُتَخَلَّى عَلَى صَفَةِ نَهْرٍ جَارٍ». ضعيف، معجم أوسط طبرانی ۲۳۹۲

رسول الله صلی الله علیه و سلم از قضای حاجت کردن در زیر درخت ثمردار و بر کنار رودخانه نهی نمودند.



و محل صحبت مردم، و در راه، و زیر درخت ثمردار، و نزد قبر،  
**وَفِي الْمَاءِ الرَّاَكِدِ وَقَلِيلٍ جَارٍ،<sup>۲۴</sup> وَلَا مُسْتَقْبِلَ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ<sup>۲۵</sup>**

<sup>۲۴</sup> . قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَأَنْ يَجْلِسَ أَحَدُكُمْ عَلَى جَمْرَةٍ فَتُحْرِقَ ثِيَابَهُ، فَتَخْلُصَ إِلَى جِلْدِهِ، خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَجْلِسَ عَلَى قَبْرِ». مسلم ۹۷۱

اگر یکی از شما بر آخگری بنشیند که لباسش را بسوزاند و به پوستش برسد، برای او بهتر است از این که بر قبری بنشیند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا تَجْلِسُوا عَلَى الْقُبُورِ، وَلَا تُصَلُّوا إِلَيْهَا». مسلم ۹۷۲

بر روی قبرها ننشینید و بسوی آن‌ها نماز نخوانید.

<sup>۲۵</sup> . عَنْ جَابِرٍ: عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ نَهَى أَنْ يُبَالَ فِي الْمَاءِ

الرَّاكِدِ. مسلم ۲۸۱

رسول الله صلی الله علیه و سلم نهی نمودند از اینکه در آب راکد ادرار شود. وقتی که از ادرار نهی شد، مدفوع نیز از باب اولی شامل می‌شود. و آبِ کم جاری در معنای آب راکد است.

اما نووی در شرح صحیح مسلم می‌نویسد: قضای حاجت کردن در آب زیاد جاری، خلاف اولی؛ و آب کم جاری، حرام است. آب زیاد ایستاده، اصحاب ما گفته‌اند مکروه است و حرام نیست اما اگر گفته شود حرام است بعید نیست؛ و آب کم ایستاده، حرام است.

<sup>۲۶</sup> . امام نووی در المجموع ۳۳/۳ می‌نویسد: مصنف (ابواسحاق شیرازی) در التنبیه و بسیاری از اصحاب ما مستحب دانسته‌اند که رو به خورشید و ماه و پشت به آن دو کرده نشود. و به حدیث ضعیفی استیناس کرده‌اند. و این در چهار مورد مخالف استقبال قبله است: دلیل قبله صحیح و مشهور است و دلیل این ضعیف، بلکه باطل است به همین سبب نه مصنف و نه امام شافعی و نه بسیاری (از اصحاب ما) آن (دلیل) را بیان نکرده‌اند. و این قول مختار است زیرا حکم به استحباب نیاز به دلیل دارد و در این مسأله دلیلی نیست...

ابن حجر در التلخیص الحبیر ۱۲۴ می‌نویسد: امام نووی در شرح المذهب می‌نویسد: هذا حدیث باطل لا یعرف.

ابن صلاح می‌گوید: این حدیث در کتاب المناهی (تألیف حکیم ترمذی) به صورت مرفوع روایت شده اما شناخته شده نیست و حدیث ضعیفی است؛ لفظ آن چنین است:

و در آب راکد و آب جاری کم؛ و نه رو به خورشید و ماه  
**وَيَبِّتِ الْمَقْدِسَ<sup>۲۷</sup> وَمُسْتَدْبِرَهُ<sup>۲۸</sup>**

**نَهَى أَنْ يَبُولَ الرَّجُلُ وَفَرَجُهُ بَادٍ لِلشَّمْسِ وَنَهَى أَنْ يَبُولَ وَفَرَجُهُ بَادٍ لِلْقَمَرِ.**

رسول الله صلی الله علیه و سلم نهی نمود از اینکه شخص ادرار کند در حالی که شرمگاه او به طرف خورشید و ماه ظاهر باشد.

ابن حجر در ادامه می نویسد: من می گویم این حدیث، بخشی از حدیث طولانی است که در کتاب المناهی تقریباً به اندازه‌ی پنج صفحه آمده و بیش‌ترین موضوع آن در رابطه با احکام است؛ این حدیث باطل و اصلی برای آن نیست.

ابن کثیر نیز در کتاب إرشاد الفقیه إلی معرفه أدله التنبیه بر مکروه بودن آن دلیلی پیدا نکرده جز اینکه قول امام نووی در المجموع را ذکر می نماید.

امام نووی در التحقیق ۸۴/۱ نیز می نویسد: کراهت استقبال و استدبار خورشید و ماه نقل شده اما اصلی برای آن نیست.

رملی و ابن حجر در تحفه و نهاییه متفق‌اند که استقبال خورشید و ماه مکروه است به غیر از استدبار.

در مذهب مالکیه استقبال و استدبار جایز می باشد. (مختصر خلیل)

در مذهب حنابله استقبال مکروه می باشد به غیر از استدبار. (المحرر، کشاف القناع، عمده الفقه، شرح العمده، المغنی لابن قدامه)

در مذهب حنفیه استقبال مکروه می باشد به غیر از استدبار. (مراقی الفلاح، نور الإیضاح، حاشیه الطحاوی علی مراقی الفلاح، الدر المختار، حاشیه ابن عابدین علی الدر المختار)

<sup>۲۷</sup> . عَنْ أَبِي أَيُّوبَ، أَنَّهُ قَالَ: نَهَانَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ نَسْتَقْبِلَ الْقِبْلَتَيْنِ وَنَسْتَدْبِرَهُمَا، وَقَالَ هَمَّامٌ: " يَعْني الْعَائِطُ وَالْبَوْلُ. اسناد صحيح، مسند احمد

۲۳۵۱۹

رسول الله صلی الله علیه و سلم ما را نهی نمودند از این که رو به دو قبله (کعبه و بیت المقدس) و پشت به آن دو، قضای حاجت کنیم.

امام نووی در مجموع می نویسد: اگر گفته شود چرا به سمت بیت المقدس مکروه می دانید؟ جواب داده می شود: زیرا بر کراهت آن اجماع شده و کسی - که اجماعش اعتبار دارد - را نیافتیم که حرام بداند.

و بیت المقدس و پشت به آن (یعنی پشت به بیت المقدس).  
**وَيَحْرُمُ الْبَوْلَ عَلَىٰ مَطْعُومٍ<sup>۲۹</sup> وَعَظِيمٍ<sup>۳۰</sup> وَمُعَظَّمٍ<sup>۳۱</sup> وَقَبْرِ<sup>۳۲</sup> وَفِي مَسْجِدِ<sup>۳۳</sup>**

<sup>۲۸</sup> . در فتح الوهاب المالک آمده: بعضی از شراح، ضمیر در "مُسْتَدْبِرُهُ" را به "السَّمْسِ وَالْقَمَرِ وَبَيْتِ الْمَقْدِسِ" برگشت داده‌اند اما آن چه نزد من ظاهر شد این است که ضمیر فقط به "بَيْتِ الْمَقْدِسِ" بازمی‌گردد. زیرا اقرب مذکور است. (همچنین اگر ضمیر به هر سه مورد برگشت داده شود، بهتر است که ضمیر مونث "هَا" آورده شود).

<sup>۲۹</sup> . زیرا اتلاف مال و بی‌احترامی به نعمت خداوند است.

<sup>۳۰</sup> . قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَا تَسْتَنْجُوا بِالرُّوثِ، وَلَا بِالْعِظَامِ، فَإِنَّهُ زَادُ

إِخْوَانِكُمْ مِنَ الْجِنِّ. صحیح، ترمذی ۱۸

با مدفوع خشک و با استخوان هرگز استنجا نکنید زیرا توشه برادران شما از جن است.  
<sup>۳۱</sup> . به خاطر توهین به آن. مانند نام خداوند، پیامبران و فرشتگان، قران، کتاب‌های تفسیر

و...

<sup>۳۲</sup> . دلیل آن، حدیث مسلم ۹۷۱ و ۹۷۲ که گذشت.

<sup>۳۳</sup> . عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ، قَالَ: بَيْنَمَا نَحْنُ فِي الْمَسْجِدِ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. إِذْ جَاءَ أَعْرَابِيٌّ فَقَامَ يَبُولُ فِي الْمَسْجِدِ، فَقَالَ أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَهْ مَهْ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا تُزِرُّمُوهُ دَعْوَهُ» فَتَرَكُوهُ حَتَّى بَالَ، ثُمَّ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دَعَاهُ فَقَالَ لَهُ: «إِنَّ هَذِهِ الْمَسَاجِدَ لَا تَصْلُحُ لِشَيْءٍ مِنْ هَذَا الْبَوْلِ، وَلَا الْقَذْرِ إِنَّمَا هِيَ لِذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَالصَّلَاةِ وَقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ» أَوْ كَمَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: فَأَمَرَ رَجُلًا مِنَ الْقَوْمِ فَجَاءَ بِدَلْوٍ مِنْ مَاءٍ فَشَنَّهُ عَلَيْهِ. مسلم ۲۸۵

ما همراه رسول الله صلی الله علیه و سلم داخل مسجد بودیم که بادیه‌نشینان، داخل مسجد شروع به ادرار کرد. اصحاب رسول الله صلی الله علیه و سلم گفتند: نکن، از کارت دست بکش. رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: ادرارش را قطع نکنید. او را رها سازید. پس او را رها کردند تا این که ادرار کرد. سپس رسول الله صلی الله علیه و سلم او را فراخواند و به او فرمود: این مساجد شایستگی چیزی از این ادرار و آلودگی را ندارند. همانا این مساجد

و ادرار (و مدفوع) حرام می‌شود بر خوراکی‌ها، و استخوان، و مقدسات، و قبر، و در مسجد  
**وَلَوْ فِي إِنَاءٍ.**<sup>۳۴</sup>

و اگر در ظرف باشد.

**وَيَحْرُمُ اسْتِقْبَالَ الْقِبْلَةِ وَاسْتِدْبَارُهَا بِبَوْلٍ أَوْ غَائِطٍ فِي الصَّحْرَاءِ بِلَا حَائِلٍ،**<sup>۳۵</sup> **وَيُبَاحَانِ**  
**فِي الْبُنْيَانِ**<sup>۳۶</sup> **إِذَا قُرِبَ مِنَ السَّائِرِ نَحْوَ ثَلَاثَةِ أذْرُعٍ،**<sup>۳۷</sup>

و رو به قبله و پشت به آن با ادرار یا مدفوع در صحرا بدون پرده حرام می‌شود؛ و آن دو  
 (یعنی رو به قبله و پشت به آن) در ساختمان مباح می‌شوند هرگاه به مانند سه ذرع به سائر  
 نزدیک شد.

**وَيَكْفِي مُرْتَفِعٌ ثُلُثِي ذِرَاعٍ مِنْ جِدَارٍ وَوَهْدَةٌ وَدَابَّةٌ وَذَيْلُهُ الْمُرْحَى قُبَالَةَ الْقِبْلَةِ،**<sup>۳۸</sup>

برای ذکر خدا، نماز و قرائت قرآن است. یا همان‌گونه که رسول الله صلی الله علیه و سلم  
 فرمود. سپس به شخصی از قوم، فرمان داد که دلوی پر از آب را بر آن بپاشاند.  
<sup>۳۴</sup> . به خاطر حفظ مسجد از نجاست.

<sup>۳۵</sup> . **قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِذَا أَتَى أَحَدَكُمْ الْغَائِطُ، فَلَا يَسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةَ**  
**وَلَا يُوَلِّهَا ظَهْرَهُ.** بخاری ۱۴۴

هرگاه یکی از شما به قضاء حاجت رفت، رو به قبله و پشت به آن نکند.

<sup>۳۶</sup> . **الْبُنْيَانُ:** منظور هر بنا، ساختمان، یا خرابه‌ای که برای قضای حاجت آماده نشده،  
 یعنی توالی نشده است. اما بنایی که مخصوص قضای حاجت ساخته شده - که توالی نامیده  
 می‌شود - حکم آن خواهد آمد.

<sup>۳۷</sup> . **قَالَ ابْنُ عُمَرَ: ارْتَقَيْتُ فَوْقَ ظَهْرِ بَيْتِ حَفْصَةَ لِبَعْضِ حَاجَتِي، فَرَأَيْتُ رَسُولَ**  
**اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقْضِي حَاجَتَهُ مُسْتَدْبِرَ الْقِبْلَةِ، مُسْتَقْبِلَ الشَّامِ.** بخاری ۱۴۸

ابن عمر می‌گوید: برای بعضی از حاجتم، به پشت بام خانه حفصه (خواهرم) بالا رفتم.  
 رسول الله صلی الله علیه و سلم را دیدم که پشت به قبله و رو به شام قضاء حاجت می‌نمود.

<sup>۳۸</sup> . **عَنْ مَرْوَانَ الْأَصْفَرِ، قَالَ: رَأَيْتُ ابْنَ عُمَرَ أَنَاخَ رَاحِلَتَهُ مُسْتَقْبِلَ الْقِبْلَةِ، ثُمَّ**  
**جَلَسَ يَبُولُ إِلَيْهَا، فَقُلْتُ: يَا أَبَا عَبْدِ الرَّحْمَنِ، أَلَيْسَ قَدْ نُهِِيَ عَنْ هَذَا؟ قَالَ: بَلَى إِنَّمَا**  
**«نُهِِيَ عَنِ ذَلِكَ فِي الْفَضَاءِ، فَإِذَا كَانَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ الْقِبْلَةِ شَيْءٌ يَسْتُرُكَ فَلَا بَأْسَ».** حسن،

و چیزی مرتفع از دیوار، و گودی، و حیوان، و دامن آویزان شده‌اش، در حالی که (ارتفاع آن) دو سوم در مقابل قبله باشد؛ کفایت می‌کند.

**وَالْإِعْتِبَارُ فِي الصَّحْرَاءِ وَالْبُنْيَانِ بِالسُّتْرَةِ فَحَيْثُ قَرَّبَ مِنْهَا عَلَى ثَلَاثَةِ أَذْرُعٍ وَهِيَ ثُلُثَا ذِرَاعٍ جَازَ فِيهِمَا<sup>۳۹</sup> وَإِلَّا فَلَا،**

و اعتبار (در تحریم استقبال و استدبار) در صحرا و بنیان (ی که توالی نشده) به ستره است، پس هرگونه که به (اندازه) سه ذرع به آن (ستره) نزدیک شد و آن (ستره) دو سوم ذرع (ارتفاع) داشت؛ در صحرا و بنیان جایز است و اگر نه پس نه.

**إِلَّا فِي الْمَرَا حِيضٍ فَيَجُوزُ مَعَ الْكِرَاهَةِ،<sup>۴۰</sup> وَإِنْ بَعَدَ جِدَارُهَا أَوْ قَصْرًا.**

مگر در توالی‌ها، پس با کراهت جایز می‌شود و اگر چه دیوار آن (از سه ذرع) دور باشد یا (ارتفاع آن از دو سوم ذرع) کوتاه باشد.

ابن عمر را دیدم که شترش را مقابل قبله خواباند سپس نشست و به طرف آن ادرار کرد. گفتم: ای ابا عبدالرحمن! آیا از این کار نهی نشده؟ ابن عمر گفت: بله، در فضای باز از این کار نهی شده، اما اگر بین تو و بین قبله چیزی بود که تو را بپوشاند اشکالی ندارد.<sup>۳۹</sup> جایز است اما خلاف اولی است همان‌گونه که در مجموع، منهج، تحفه، نهاییه و مغنی آمده است.

<sup>۴۰</sup> این قول مرجوح است. قول راجح همان‌گونه که در مجموع، منهج، تحفه، نهاییه و مغنی آمده: رو به قبله و پشت به آن در مکان‌هایی که برای قضای حاجت آماده شده (یعنی توالی‌ها)، نه حرام و نه مکروه و نه خلاف اولی است؛ دلیل آن حدیث ابوداود ۱۱ که گذشت.